

بازگردانی شعر میوه هنر

بیت اول: آن داستان را شنیدید که یک روز در باغی ، درخت سپیدار از ظلم و ستم تبر ، از روی ناتوانی گریه کرد؟

بیت دوم: که به خاطر تبر ، تیشه هیزم شکن و اره نجار از من دیگر نه ریشه ای باقی ماند و نه شاخه ای .

بیت سوم: تبر آهسته به او گفت: همین به اندازه کافی برای تو جرم بزرگی است که الان زمان میوه و نتیجه است ولی تو هیچ ثمری نداری.

بیت چهارم: تا شب صدای ضربه های تبر قطع نشد و تا سحر در آن باغ هیزم های بسیاری روی هم جمع شدند.

بیت پنجم: زمانی که مرد کشاورز تنور خانه خودش را با آن هیزم روشن کرد ، درخت سپیدار گریه کرد و بار دیگر گفت:

بیت ششم: افسوس که تبدیل به هیزم و روشن کننده آتش دنیا شدم و این گونه آتش بدبختی مرا سوزاند.

بیت هفتم: شعله به او خندید و گفت : تو از دست چه کسی شکایت می کنی؟ بی ثمری تو باعث شد این طور خوار و ذلیل بشوی.

بیت هشتم: آن شاخه که رشد کند ولی هیچ ثمری نداشته باشد، عاقبتی بهتر از سوختن پیش رو ندارد.

بیت نهم: انسان ، هیچ ثمری به جز دانش و علم ندارد . ای کسی که دانش و هنر اندوخته ای ، حالا زمان ارائه دانش تو به دنیا است.

بیت دهم: از حرف هایی که به آن عمل نمی شود ، چه سودی نصیب انسان نمی شود. رفتارت را درست کن که در حرف زدن بدون علم کردن هیچ سودی نیست.

بیت یازدهم: اگر شب و روز و ماه رو سال را با بی خیالی و آسودگی بگذرانی ، روزی که باید نتیجه اعمال را ببینی برای تو بسیار دشوار می شود.